

## بهبود

### بهترین‌هایی که آقای گل شدند

آقای گل، بهترین عنوان بعد از قهرمانی در مسابقات لیگ فوتبال است که هر مهاجمی در پی کسب آن است اما این عنوان در ۱۶ دوره از رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران، نصیب ۱۴ بازیکن شده است که گاهی به چگونگی کسب این عنوان جالب توجه است.

- هت تریک بهترین گلزن لیگ بر تر**

رضا عنایتی، اولین آقای گل رقابت‌های لیگ حرفه‌ای ایران به نام لیگ برتر است. عنایتی سال ۸۰ در اولین دوره رقابت‌های لیگ برتر با به ثمر رساندن ۱۷ گل، آقای گل لیگ شد. او که بعدها دو مرتبه دیگر نیز این عنوان را با استقلال به دست آورد (لیگ چهارم با ۲۰ گل و لیگ پنجم با ۲۱ گل) در مجموع، از حضور در تیم‌های ابومسلم، استقلال، سپاهان، مس، پدیده، سپاه‌جامگان و صبا موفق شد ۱۵۰ مرتبه دروازه حریفان را باز کرده و عنوان بهترین گلزن لیگ برتر ایران را به خود اختصاص دهد. عنایتی همچنین در فصل اول لیگ برتر در بازی ابومسلم و استقلال شش هفت گل به ثمر رساند؛ بیشترین تعداد گلی که یک بازیکن در یک بازی به ثمر رسانده است. اما در آخرین سال حضورش با زدن تنها ۳ گل ضعیف‌ترین عملکرد را داشت.

- همه آقای گل‌های لیگ حرفه‌ای ایران**

فصل اول رضاعنایتی ۱۷ گل از ابومسلم، فصل دوم آرموند بزیک با ۱۳ گل از سپاهان، فصل سوم علی پرسپولیس، فصل چهارم رضا عنایتی با ۲۰ گل از استقلال، فصل پنجم رضا عنایتی با ۲۱ گل از استقلال، فصل ششم مهدی رحب‌زاده و عرفان آلروم با ۱۷ گل از ذوب‌آهن و ابومسلم، فصل هفتم محسن خلیلی و هادی اصرری با ۱۸ گل از پرسپولیس و راه‌آهن، فصل هشتم آرش برهانی با ۲۱ گل از استقلال، فصل نهم معادرضا با ۱۹ گل از سپاهان، فصل دهم رضانوروزی با ۲۴ گل از فولاد، فصل یازدهم کریم انصاری فرد با ۲۱ گل از سایپا، فصل دوازدهم جلال رافخایی با ۱۹ گل از ملوان، فصل سیزدهم کریم انصاری فرد با ۱۴ گل از تراکتورسازی، فصل چهاردهم ادینهو با ۲۰ گل از تراکتورسازی، فصل پانزدهم و شانزدهم مهدی طارمی با ۱۶ و ۱۸ گل از پرسپولیس.

- گلزنان خارجی**



لیگ شانزدهم در حالی به پایان رسید که در تمام ۱۶ دوره‌ای که از عمر لیگ حرفه‌ای ایران می‌گذرد تنها سه بازیکن خارجی موفق به کسب عنوان آقای گلی لیگ فوتبال ایران شده‌اند. دنی اولروم اولین لیگ ایران آقای گل شد. این بازیکن در لیگ ششم خارج لیگ برتر هم ادینهو بود که در لیگ به همراه رحب‌زاده، آقای گل لیگ برتر شود. بعد از او، معاد رضا در لیگ نهم بود که با به ثمر رساندن ۱۹ گل در سپاهان آقای گل شد و آخرین آقای گل چهاردهم با ۲۰ گلی که در تراکتور به ثمر رساند، آقای گل شد.

##### آقای گل‌های مشترک

در ۱۶ دوره لیگ برتر، دو مرتبه آقای گلی لیگ به دو بازیکن به طور مشترک و هم‌زمان رسید. لیگ ششم لیگ هفتم، لیگ‌های آقای گل‌های مشترک فوتبال ایران بود. سال ۸۶–۱۳۸۵ مهدی رحب‌زاده از ذوب‌آهن و دنی اولروم از ابومسلم با به ثمر رساندن ۱۷ گل به طور مشترک آقای گلی لیگ ششم را از آن خود کردند. سال بعد هم البته این مسئله تکرار شد. سال ۸۷–۱۳۸۶ نیز آقای گلی به طور مشترک به محسن خلیلی از پرسپولیس و هادی اصرری از سپاهان رسید، چراکه هر دو با به ثمر رساندن ۱۸ گل در صدر جدول گلزنان قرار داشتند.

- بیشترین و کمترین**



قرار دارد سپس ابومسلم خراسان، تراکتورسازی و سپاهان با دو عنوان به دست آورده در این راستا، در رتبه نسوم جدول قرار دارند. ضمن اینکه تیم‌های ملوان، ذوب‌آهن، فولاد و سایپا نیز هر کدام یک مرتبه موفق به کسب عنوان آقای گلی لیگ برتر شده‌اند. در این میان اما کمترین گل زده به فصل دوم برمی‌گردد که بزیک با ۱۲ گل در سپاهان آقای گل شد و بیشترین گل زده نیز به رضانوروزی برمی‌گردد که در فصل دهم در فولاد با سه ثمر رساندن ۳۴ گل آقای گل شد و تاکنون کسی موفق به شکستن رکورد او نشده‌است.

## گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۷۹



### گفت‌وگوی «جوان» با رضا عنایتی درباره خداحافظی از دنیای فوتبال

# افتخار می‌کنم دستفروشی و کارگری کردم

### دنیا حیدری

فروردین به پایان نرسیده بود که تصمیم گرفت به فوتبالش پایان دهد. مهاجم بلندقامت و لاغر اندامی که از ابومسلم مشهد به فوتبال معرفی شد. دستفروش ساده‌ای که شاید بسیاری او را کنار حرم آقامار (ضراع) دیده بودند. همان کارگری که روز پدر را رفته بود تا یک لقمه نان جلان سر سفره ببرد. آن روزها تصورش را هم نمی‌کرد که روزی مستطیل سبز و توپ فوتبال زندگی‌اش را بنگونه تغییر دهد. اما یک روز تصمیم به تغییرات گرفت و جدی‌تر به فوتبال نگاه کرد. راهی ابومسلم شد و بعد هم استقلال و سرانجام از امارات سر در آورد؛ جایی که بهشت فوتبالیست‌های ایرانی بود.

پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کرد. سه دوره آقای گل لیگ شد و بهترین گلزن لیگ برای اگر چه در تیم ملی به دلیل هم‌زمانی با حضور دایی نتوانست به حقتش و آنچه که می‌خواست برسد اما دوران فوتبالی موفقی داشت و سرانجام ۲۶ فروردین تصمیم به خداحافظی از دنیای فوتبال گرفت. در بازی صبا برابر استقلال، چهار گوشه زمین را بوسید و کفش هایش را به میخ آویخت. مثل بسیاری از فوتبالیست‌ها که قبل از او چنین کرده بودند پای از مستطیل سبز بیرون گذاشت تا مثل خیلی‌های دیگر برود دنبال مربیگری و شاید یک روز بتواند بار دیگر به استقلال برگشته و به عنوان نفر اول، روی نیمکت این تیم بنشیند.

- ۳۰ روز تیمکت این**

چه شد که تصمیم به خداحافظی از فوتبال گرفتید. آن هم اینقدر بیکهو و ناگهانی! بالاخره هر بازیکنی همانطور که یک آمدنی دارد، یک روز هم باید از فوتبال خداحافظی کند. این قانون است. تصمیم بسیار سختی بود اما این اتفاق بالاخره دیر یا زود باید می‌افتاد. همانطور که پیش از من برای بازیکنان بزرگ فوتبال رخ داده بود. خیلی روی این مسئله فکر و حتی مشورت کردم و سرانجام به این نتیجه و جمع‌بندی رسید که اکنون زمان خوبی است.

**رضاعنایتی یکی از پرافتخارترین مهاجمان استقلال بود. انتظار می‌رفت با پیراهن این تیم از فوتبال خداحافظی کند، یعنی دیگر امیدی به بازگشت به استقلال و خداحافظی با پیراهن این تیم از فوتبال نداشتید؟**

آرزویم این بود که بتوانم با پیراهن استقلال از فوتبال خداحافظی کنم اما به هیچ عنوان امیدی در این خصوص نداشتیم. من در سن ۳۹سالگی یک بار برگشتم استقلال و متأسفانه با ناراحتی از این تیم

جدا شدم. چطور می‌توانستم به تکرار آن اتفاقات ببیندیشم یا امیدبی به بازگشت دوباره داشته باشم؟ در طول این سال‌ها بارها و بارها به من ثابت شده هیچ چیز آنطور که ما می‌خواهیم پیش نمی‌رود. البته این دلیل نمی‌شود برای آینده‌ای بهتر تلاش نکنیم، اما گاه سرنوستت چیز دیگری برای ما نوشته و اتفاقاتی مانع از آن می‌شود که به همه خواسته‌هایمان برسیم. خداحافظی با پیراهن استقلال هم یکی از آن دسته اتفاقاتی بود که نشد و شاید هم نگذاشتند که بشود.

**فکر می‌کنید چه چیز باعث شد تا جدایی خوبی از استقلال نداشته باشید؟**

اولین جدایی‌ام از استقلال البته خیلی خوب بود. با هم تفاهم کامل داشتیم و شرایط خوب بود. من باز تغییرات می‌خواستم و رفتم امارات. در برگشت از امارات اما به تنها چیزی که فکر نمی‌کردم این بود که در ایران برای تیمی جز استقلال بازی کنم. این هم خواسته من بود و هم هواداران تیم. اما متأسفانه جودی در فوتبال وجود دارد،سوظن‌هایی که به هم داریم باعث می‌شوداتفاقات غیرقابل پیش‌بینی‌ای رخ دهد. به همین دلیل مظلومی که سرمربی استقلال شد من باز در لیست فروش یا در اصل همان لیست مازاد تیم قرار گرفتم. در حالی که عملکردم در آن فصلی‌کم که برگشته بودم قابل قبول بود و بیشترین گل زده را در ۱۱ بازی داشتیم اما خوب اتفاقات و سوءظن‌هایی که وجود داشت باعث شد مسیر خداحافظی من با پیراهن استقلال عوض شود.

**عجیب‌ترین اتفاق مطلبی‌سود که روی خورجی سایت باشگاه قرار گرفت، هر اندازه هم که عنایتی بازیکن خوبی بود، باشگاه و سرمربی تیم این حق را داشتند که نفرات را بر اساس سلیقه خود انتخاب کنند اما اینکه روی سایت رسمی باشگاه مطلبی گذاشته شود و در آن از مهاجم تیم به عنوان دندان بوسیده نام برده شود بسیار عجیب و شوکه‌کننده بود.**

من دو جور به این قضیه نگاه می‌کنم. آدم‌هایی به باشگاه آمده بودند که به قول ما ورزشی‌ها یک عکس با شورت ورزشی هم نداشتند. این طور افراد وقتی در رأس کار قرار می‌گیرند یک جورهایی جوگیر می‌شوند. استقلال و پرسپولیس هم که شرایط ویژه‌ای دارند. همه نگاه‌ها به این دو تیم است و تمام اتفاقات ریز و درشت آن زیر ذره‌بین قرار گرفته و رصد می‌شود. پس آنها مجبور بودند برای مطرح شدن کارهایی انجام دهند و تنها بازیکنی که می‌توانست آنها را اینقدر بزرگ کند و سر زبان رسانه‌ها بیندازد، من بودم و می‌بینید که هنوز هم بعد از گذشت چند



ایران کمک کند.

**چرفوتبال را دیر شروع کردید یا به قول خودتان آن را جدی نگرفتید؟**

هرگز فکر نمی‌کردم یک روز زندگی‌ام با فوتبال گره بخورد و مسیرش با آن عوض شود. اما یک مقدار که جلو آمدم و فوتبال را جدی گرفتم، دیدم می‌شود و خوشبختانه هم شد. البته سختی‌های زیادی کشیدم. اما برای هر کاری ابزار لازم است و ابزار من برای فوتبال و موفقیت در آن، تنها بدنم بود. دیدم می‌توانم از این ابزار استفاده کنم به شرط آنکه تقویتش کنم، به موقع تمرین کنم، به موقع بخوابم و استراحت کنم و تمرکز روی همین مسئله باعث شد بتوانم پله‌های ترقی و موفقیت را طی کنم.

**گفتید بدتسان اصلی‌ترین ابزار برای موفقیت بود که به درستی از آن استفاده کردید، مخصوصاً برای استراحت کردن به موقع و تمرین کردن بجا. انتقادی که این روزها به فوتبالیست‌ها می‌شود، عدم استراحت به موقع است که خراب می‌بینیم کارایی آنها را تا حد زیادی پایین می‌آورد.**

هر کاری نیازمند ابزاری است. یک نجار، یک بنا یا حتی یک پروفیسور برای آنکه بتوانند به موفقیت یا نبوغ دست یابند، به ابزاری برای ارائه داشته‌های خود نیاز دارند. ابزار فوتبالیست‌ها هم بدن آنهاست. اگر این بدن در مقابل تمرینی که انجام می‌دهد استراحت درستی نداشته باشد، خستگی بر آن غالب می‌شود و نمی‌توان انتظار زیادی از آن داشت. استراحت و خواب به موقع و مناسب شرط اصلی بازدهی مناسب هر بدنی است. بدنی که در حرفه‌ما، ابزار اصلی است.

**مسئله جالبی که در خصوص عنایتی وجود دارد این است که هرگز از بیان گذشته‌ای که داشته‌ای‌بابی ندارد.**

گذشته انسان به زندگی او گره خورده و چیزی نیست که بتوان دور انداخت. من به گذشته‌ای که داشتم افتخار می‌کنم. هم دستفروشی کردم و هم در کارخانه کارگری. به این افتخار می‌کنم. شرایط خانوادگی و مالی خوبی نداشتیم. پدر کارگری داشتیم که دستش را می‌بوسم. شرایط اقتصادی خوبی نداشتیم اما پدرم تمام توانش را گذاشته بود که راحت باشیم. کار کردن و نان حلال در آوردن عیب و عار نیست که از گفتن آن شرمنده باشم. خوشحالم از کارگری و دستفروشی و با تلاش زیاد به اینجا رسیدم.

**سال این مسئله به قوت خود باقی است و در مورد آن صحبت می‌شود. از طرف دیگر متأسفانه در فوتبال ما هر قدر افراد دورنگ‌تر، زیرآب‌زن‌تر و ریاکارتر باشند، موفق‌تر می‌شوند. اما بچگانه‌ترین کار ممکن را انتخاب کردند. می‌توانستند مطلب را به سایت‌ها یا رسانه‌ها بدهند و این بزرگ‌ترین اشتباه آنها بود که البته به سود من تمام شد.**

**اما از انتشار آن مطلب بسیار ناراحت شدید، اینطور نیست؟**

آن زمان خیلی ناراحت شدم اما الان خیلی خوشحالم چراکه همان کلمه، انگیزه‌ای مضاعف به من داد و باعث شد با پشتکار فراوان سال‌ها در فوتبال بمانم. باز به امارات برگشتم و بهترین گلزن امارات شدم. الان ۹ سال از آن زمان می‌گذرد و در حالی که آقایانی که ادعای دندان‌طلا بودن داشتند، اکنون در خانه نشسته‌اند و تخمه می‌شکنند اما من هنوز در سطح اول فوتبال حرفه‌ای کشور دارم به کار ادامه می‌دهم. این نشان می‌دهد عزت و ذلت هر کسی دست خداست و هیچ‌کس جز پروردگرم متعال نمی‌تواند سرنوشت ما را رقم بزند و تغییر دهد.

**خیلی دیر به فوتبال روی آوردید اما موفقیت‌های خوبی کسب کردید. سه دوره آقای گل لیگ برتر شدن، بهترین گلزن لیگ حرفه‌ای ایران و… به دست آوردید.**

**فکرش را می‌کردید به اینجا برسید؟**

نه، فکرش را نمی‌کردم، چون اصلاً فوتبال را جدی نمی‌گرفتم. اما انکسار با تلاش به هر چیزی می‌رسد و من تلاش کردم و چون همیشه دوست داشتم نفر اول باشم و به دوم بودن راضی نبودم، نتوانستم موفقیت‌های زیادی را کسب کنم اما همه موفقیت‌هایی که به دست آوردم با کمک دوستم بود و به تنهایی قادر به رقم زدن آنها نبودم. سه دوره آقای گل لیگ برتر شدم؛ یک مرتبه با ابومسلم و دو مرتبه هم با استقلال. اما در هر دو تیم بازیکنان زیادی به من کمک کردند برای رسیدن به این عنوان. اگر کمک آنها نبود، شاید هرگز به این موفقیت‌ها دست پیدا نمی‌کردم و این چیزی نیست که هرگز فراموش کنم. در سن ۲۴ سالگی بود که با ابومسلم وارد فوتبال حرفه‌ای شدم؛ از اولین سال لیگ حرفه‌ای ایران. بعد به استقلال رفتم و بعد هم امارات. در امارات در طول چهار سال ۴۰ گل زدم و خوشحالم که نتوانستم افتخارات و رکوردهایی مثل سه دوره آقای گل شدن لیگ برتر و بهترین گلزن لیگ را به دست بیاورم؛ رکوردهایی که امیدوارم روزی یکی بهتر از من پیدا شود و آنها را بشکنند. کسی که به فوتبال



## جوان ۹ | روزنامه جوان | ۵۰۸۶

ابومسلم اولین سکوی پر تاب و پیشرفت عنایتی بود. از آنجا به استقلال آمدید، در روزهایی که پرسپولیس هم به دنبال شما بود و بعد به امارات رفتید. در رویاهایی که برای آینده دارید جایی برای ابومسلم هست؟

۸۰، ۹۰ در صد موفقیتیم را مدیون ابومسلم و مردم و هواداران مشهدی هستم. آنها هرگز مرا تنها نگذاشتند و همیشه پشت من بودند. فوتبال مشهده یکی از دغدغه‌های همیشگی من است و امیدوارم روزی دینم را بسه آن ادا کنم و دانش و آموخته‌هایم را در اختیار فوتبالیست‌های آن قرار دهم؛ بچه‌های پایین شهری که مثل دیروز خود من هستند. ابومسلم دلیل اصلی موفقیت من بود. البته وقتی از ابومسلم به تهران آمدم، برآیم پرسپولیس و استقلال چندان فرقی نداشت. فقط به دنبال تغییرات و پیشرفت بودم. پرسپولیس اما آن زمان جنگ مدیریتی داشت. اوضاع استقلال را آرام‌تر دیدم و به استقلال رفتم و ماندگار شدم و طولی نکشید این تیم به همه زندگی من تبدیل شد. هواداران استقلال هم مانند هواداران ابومسلم خیلی کمکم کردند. توجه آنها به انسان انرژی می‌دهد تا گام‌هایش را بلند و محکم بردارد. من موفقیتیم را مدیون آنها هستم.

**سال‌هاست که فوتبال ایران یک مهاجم شش دانگ به خود ندیده است. فکر می‌کنید پسران عنایتی بتوانند راهش را ادامه دهند؟**

مشکل این است که فرزند یک فوتبالیست بودن معضل بسیار بزرگی است. بسیار کم پیش آمده فرزندان یک فوتبالیست بتوانند بازیکنان خوب و مطرحی باشند. آنها همواره زیر سایه پدران خود هستند. وقتی فرزند یک فوتبالیست وارد میدان می‌شود تصور می‌کنند به پشتوانه پدرش آمده نه توانایی‌هایی که دارد و این جنبه منفی زیادی برای آنها دارد. من خیلی دوست دارم فرزندانم بتوانند در فوتبال موفق باشند. آنها علاقه زیادی به فوتبال دارند اما تنها علاقه و خواست من مهم نیست. تلاش خودشان مهم است.

**محمد پروین، یکی از آن نمونه‌های بارز است. بسیاری می‌گفتند ضربه ایستگاهی‌هایی که او می‌زند نظیر ندارد. گفته بود پدرش به سر مربی او گفته است نگاه نکن محمد پروین است. اما او هم باوجود آنکه پدرش پروین بود نتوانست موفق شود.فکر می‌کنید چنین سرنوشتی**



## درد

**به بچه‌ها گفتیم: روزی که بخواهند بگویند فرزند رضا عنایتی هستند و با این نگاه گام بردارند، روز آخر فوتبالشان خواهد بود. کار سختی دارند. اما هیچ چیزی به راحتی به دست نمی‌آید و با پشت سر گذاشتن سختی‌هاست که می‌توان موفق بود**

**نرسیدید. چرا؟ چون در زمان علی دایی در تیم ملی حضور داشتید؟**

بله، شاید اگر در زمان دیگری در تیم ملی بودم شرایط فرق می‌کرد اما با این وجود نه حسرتی دارم و نه پشیمانم. هشت سال در تیم ملی بودم، این خودش افتخار بزرگی است. ضمن اینکه ذخیره علی دایی بودن هم کم افتخاری نیست. دایی آقای گل فوتبال دنیاست و یکی از بهترین مهاجمان که نیازی به تعریف ندارد و خوشحالم ذخیره‌اش بودم.

**اگر به عقب برگردید چه کسانی را نمی‌بخشید؟ پرائگو و واعظ آشتیانی؟**

من از کسی کینه‌ای به دل ندارم. همه را بخشیدام و هیچ حسرتی ندارم. به هر چیزی که می‌خواستم با تلاش رسیدم. به جای آنکه از کسی کینه داشته باشم باید به فکر روزهای آینده باشم. این افکار آدم را به عقب هل می‌دهد. من به آینده فکر می‌کنم. به جلو. نگاه کردن به عقب کمکی به آدم نمی‌کند. البته اگر با نگاه کردن به عقب از اشتباهاتمان درس بگیریم می‌توانیم موفق باشیم اما اگر قرار باشد تلخی‌ها و اتفاق‌های ناگوار را مرور کنیم، نمی‌توانیم موفق باشیم. مهم قضاوت و نگاه مردم است. آنها بهتر از هر کسی واقعیت‌ها را می‌دانند و می‌توانند قضاوت کنند.

**به مربیگری فکر می‌کنی؟**

بله، مسد رک مربیگری B۲ را یک ماه و نیم پیش گرفتم و به دنبال مدرک A هستم. باید برای مربیگری دانشم را بالا ببرم. باید مثل دورانی که درون مستطیل سبز بودم تلاش کنم تا موفق شوم. نمی‌توانم از فوتبال دور باشم این رشته و حرفه من است. اما برای موفقیت در آن باید تلاش کنم، شاید حتی خیلی بیشتر از گذشته.

**نتوانستید با پیراهن استقلال از فوتبال خداحافظی کنید، فکر می‌کنید بتوانید**

**یک روز روی نیمکت این تیم بنشینید؟**

این بزرگ‌ترین آرزوی من است. اما به جای حرف زدن یا فقط فکر کردن و رؤیابرداری در خصوص آن باید تلاش کنم.